فهرست مطالب

[موضوع: فقه / نکاح 2](#_Toc29247447)

[اشاره 2](#_Toc29247448)

[دلیل دوم مقام سوم: «لا یبدین زینتهنّ الاّ لبُعولَتِهِنّ» 2](#_Toc29247449)

[تقریب استدلال 3](#_Toc29247450)

[مقدمه اول: «زینتهنّ» 3](#_Toc29247451)

[مقدمه دوم: تفاوت دو عبارت «لایبدین» در آیه 4](#_Toc29247452)

[معانی ابداء 4](#_Toc29247453)

[معنای اوّل: ابداء فی حدّ نفسه 4](#_Toc29247454)

[معنای دوم: ابداء للغیر 5](#_Toc29247455)

[تفسیر دو معنا 5](#_Toc29247456)

[تفاوت دو معنای «لایبدین» 6](#_Toc29247457)

[مناقشه به تقریب استدلال 6](#_Toc29247458)

[خلاصه تقریب و اشکال 7](#_Toc29247459)

[جواب مناقشه 8](#_Toc29247460)

[پاسخ مصنّف 9](#_Toc29247461)

[ملاحظه اول 9](#_Toc29247462)

بسم الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / نکاح / نگاه

## اشاره

بحث در مقام سوّم بود که حکم نظر مرد به وجه و کفّین اجنبیات و زنان نامحرم می‌باشد.

اولین دلیلی که در این خصوص عرض شد صدر آیه شریفه **﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ﴾** بود که مورد بحث قرار گرفت که همان آیه 30 سوره نور می‌باشد که این آیه مورد بررسی قرار گرفت و ملاحظه فرمودید که وجه استدلال این آیه مورد قبول نبود.

## دلیل دوم مقام سوم: «لا یبدین زینتهنّ الاّ لبُعولَتِهِنّ»

اما در این جلسه دلیل دوّم عرض می‌شود که در کتاب «اسداء الرغاب» دلیل سوم می‌باشد و این دلیل عبارت است از بخش دوم آیه 30 سوره نور که می‌فرماید: **﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ﴾**.

همان‌طور که می‌دانید آیه اوّل خطاب به مردان بود و آیه دوم خطاب به زنان است که در این آیه چندین دستور به زن‌ها داده شده است که یکی از آن دستورها این بخش آیه است که می‌فرماید: **﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ﴾** و اما تفصیل دستوراتی که به زن‌ها داده می‌شود به این شرح است:

**﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ﴾**

**﴿وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾**

**﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾**

**﴿وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾**

**﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ ...﴾** که در ادامه چند طایفه از محارم را بر می‌شمارد.

**﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾**

اینها شش تکلیفی است که در این آیه متوجه زنان شده است و در انتهای آیه می‌فرماید: **﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾** که اینها خطاب‌های عام بوده و اختصاص به زن‌ها ندارد.

و اما دلیل دوم همان فراز پنجم این آیه می‌باشد که فرموده باشد: **﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ﴾** یعنی به زنان بگو که زینت‌های خود را اظهار نکنند مگر برای محارم خود.

### تقریب استدلال

تقریبی که در اینجا برای این استدلال وجود دارد متشکل است از مجموعه مقدّماتی که می‌بایست فهرست‌وار به آن اشاره شود. توجه داشته باشید که در اینجا بحث از این است که این آیه در مقام استدلال برای این موضوع است که می‌بایست وجه و کفّین هم پوشانده شود. البته بهتر بود این آیه در اطلاقات هم ذکر می‌شد و در حقیقت این آیه جزء اطلاقات ده‌گانه‌ای است که عرض قبلاً عرض شد. به‌هرحال در اینجا استدلالی که در این کتاب مطرح شده است مختصراً عرض خواهیم کرد.

#### مقدمه اول: «زینتهنّ»

یکی از مقدّماتی که بایستی در اینجا مورد توجه قرار گیرد عبارت «زینتهنّ» می‌باشد که ظاهر ابتدائی آن «ما یتزیّن به شخصٌ» می‌باشد یعنی آنچه که به واسطه آن انسان خود را زیبا می‌کند که همان زینت‌های ظاهری و عارضی می‌باشد همچون النگو و دیگر اشیائی که به عنوان زینت مورد استفاده قرار می‌گیرد که در واقع امور عارضی و ثانوی می‌باشد.

و اما آنچه در روایات برای این عبارت آیه بیان شده است این است که زینت در این آیه فقط «ما یتزیبن به الشّخص» نمی‌باشد بلکه برخی از اعضاء و جوارح هم زینت بر شمرده شده‌اند. این صراحت برخی از روایاتی است که اتفاقاً روایات معتبر هم می‌باشند و در آینده نیز به تناسب متعرض این روایات خواهیم شد و همان‌طور که عرض شد ظاهر آن ادله و روایات این است که زینت شامل خودِ صورت، دست‌ها و ... می‌شود، در واقع اعضاء و جوارحی که موضع نصب زینت می‌باشند نیز داخل در مفهوم زینت هستند.

پس همان‌طور که متوجه شدید احتمال اوّل در عبارت «زینت» در بادی امر همان معنای عرفی است که عبارت باشد از «ما یتزیّن به» که اشیائی باشند که نصب بر اعضاء و جوارح شخص می‌شود، لکن با ملاحظه روایات زینت اعم از این معنا می‌باشد که هم شامل زینت‌های ظاهری است و هم شامل اعضاء و جوارحی است که موضع نصب زینت باشند که مصادیق واضح و روشن آن صورت و دست‌ها و امثال آن می‌باشد.

پس بنابراین در مقدّمه اوّل گفته می‌شود که زینت حتماً شامل دست و صورت می‌شود و در روایات هم به این امر تصریح شده است که مقصود از زینت اعم است از زینت‌های ظاهری و اعضائی که زینت‌ها بر آن نصب می‌شود همچون دست و صورت و این از مواردی است که اخبار و روایات در تفسیر آیات اثرگذار هستند به این معنا که اگر خبر و روایتی وجود نداشت علی‌القاعده زینت حمل می‌شد بر همان زینت‌های ظاهری، لکن روایات آن را تعمیم داده و شامل وجه و کفّین هم می‌شود. البته ممکن است در آینده شواهدی هم از آیات و احیاناً از لغت پیدا شود که زینت شامل اعضاء و جوارح و محلّ نصب زینت‌ها می‌شود، اما انصافاً اگر روایت وجود نداشت کسی نمی‌توانست به عنوان یک مفهوم ظاهر از آیه انتخاب کند و این به برکت روایت است که گفته می‌شود «لا یبدین زینتهنّ» شامل اعضاء و جوارح و وجه و کفّین هم می‌شود؛ و البته باید عرض شود که این روایات به طور خاص ذکر کرده‌اند که وجه و کفّین زینت می‌باشند و از همین جهت است که به عنوان دلیل خاص ذکر می‌شود.

پس مطلب و مقدمه اول در تقریب استدلال در مفهوم عبارت «زینتهنّ» در آیه شریفه بود که به ضمّ روایات زینت حتماً شامل وجه و کفّین هم می‌شود –چه در عبارت قبل که می‌فرماید «الاّ ما ظهر منها» و چه در این عبارت که می‌فرماید: **﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ﴾** - این مطلب اول بود که مقصود از زینت را بیان می‌کرد.

#### مقدمه دوم: تفاوت دو عبارت «لایبدین» در آیه

مطلب دیگری که در این استدلال بسیار مهم است مفهوم ابداء و تفاوت «لایبدین» اوّل با «لا یبدین» دوم می‌باشد که این از نکات بسیار مهمّی است که در کتاب «اسداء الرغاب» صفحه 86 «شاهد ثانی» آورده شده است که ایشان این نکته را بسیار مهم شمرده و می‌فرمایند: «هنا نکتة شریفه تدلّ علی ما قلناه لما ألهمنی سبحانه بطوله و احسانه تقوی بعدم استثناء وجه و الکفّین ...»

##### معانی ابداء

نکته‌ای که در این مقدّمه دوم باید مورد توجه قرار گیرد و مصنف هم در اینجا به آن اشاره نموده‌اند این است که ابداء اوّل با دوم در آیه متفاوت است به این بیان که؛ باید توجه کنیم که ابداء به معنای کشف، عریان کردن و نشان دادن از عضوی از اعضاء بدن بر دو قسم می‌باشد:

1. ابداء فی‌نفسه
2. ابداء للغیر

###### معنای اوّل: ابداء فی حدّ نفسه

و اما ابداء فی حدّ نفسه در باب صلاة مورد توجه می‌باشد که می‌فرماید این اعضاء باید پوشانده شود بدون در نظر گرفتن ناظر، یعنی چه کسی باشد یا نباشد مرد باید عورتین و سوئتین را در نماز بپوشاند و ابداء نکند «سواءٌ کان هناک ناظرٌ أو لم یکن» یعنی چه کسی باشد نگاه کند یا نباشد؛ یعنی حتی اگر در اتاق در بسته‌ای است که از هر جهت مطمئن و قاطع است به اینکه احدی به‌هیچ‌وجه ناظر نیست باز هم باید سوئتین و عورتین خود را بپوشاند و زن هم در دایره وسیع‌تری باید بدن خود را بپوشاند.

این یک نوع ستر است که به نحو مطلق بوده و چه ناظری باشد چه نباشد این ستر باید وجود داشته باشد، در نقطه مقابل آن هم ابداء و کشف به نحو مطلق می‌باشد که ارتباطی به وجود و عدم وجود ناظر ندارد.

###### معنای دوم: ابداء للغیر

و اما نوع دوم ابداء هم آن است که متوجه به ناظر است و در اینجا کشف و ستر از حیث ناظر بیرونی است که در اینجا گفته می‌شود پوشش در مقابل برخی و ابداء برای دیگری است.

پس همان‌طور که متوجه شدید یک کشف و ستر مطلق است که ارتباطی به نگاه و عدم نگاه دیگری ندارد و نوع دیگر هم کشف و ستر و یا ابداء و اخفائی است که معطوف به غیر بوده و با ملاحظه نگاه دیگری وجود خواهد داشت.

###### تفسیر دو معنا

این دو مورد که به آن ابداء و اخفاء یا کشف و ستر گفته می‌شود از نظر ادبی اگر ستر مطلق مدنظر باشد باید گفته شود «یخفی ...» یا «یستر...» و بدون اینکه بیش از این چیزی در کلام باشد ظاهر «یستر و یخفی» همان ستر و اخفاء مطلق می‌باشد که ارتباطی به نگاه دیگری ندارد؛ اما اگر همین عبارات با «علی» یا «عن» متعدّی بشود به این صورت که گفته شود «یستر علی شخصٍ» یا «یخفی عن السائرین» با آمدن «عن» یا «علی» در ادامه این واژه ظهور در معنای دوم پیدا می‌کند که مقصود همان ستر و اخفاء از دیگری می‌باشد نه ستر و اخفاء فی حدّ نفسه.

و همچنین در سمت کشف و ابداء –که در آیه شریفه هم «ابداء» آمده است- نیز به همین صورت می‌باشد، یعنی اگر اینها در ادامه با «لام» یا حروف از این قبیل آورده شوند معنای دوم در آنها حاصل می‌شود. مثلاً وقتی گفته می‌شود «أبداء له وجهه» و یا «کشف له وجهه» در اینجا معنای ابداء و کشف مطلق نخواهد داشت بلکه ابداء کشف برای دیگری مقصود خواهد بود که روشن است؛ اما اگر گفته شود «أبداء وجهه» یا «أخفی وجهه» یا «ستر وجهه» ظاهر اینها همان ستر و کشف فی حدّ نفسه می‌باشد که برای هر دو صورت اینها در شریعت نمونه‌هایی وجود دارد. مثلاً در نماز اگر گفته می‌شود «ستر عورت کن» ناظر به معنا اول است.

پس «ابداء نکن» یا «ستر کن» وقتی که با «لام» متعدّی نشده باشد و به نحو مطلق و فقط با مفعول به آمده باشد به این معنا است که موضوع حکم همان ابداء و ستر می‌باشد و در نماز هم موضوع همان عدم ابداء فی حدّ نفسه می‌باشد چه کسی نگاه کند یا نکند.

و اما اگر در موردی دیده شود که موضوع حکم ابداء، ستر، کشف و اخفاء با حروف «لام، علی یا عن» قرار گیرد مشخص است که موضوع همان ابداء و اخفاء یا ستر و کشف به معنای دوم است که در واقع بر اساس آن است که کسی نگاه کند یا نکند در نتیجه حکم در جایی که نگاهی نباشد وجود نخواهد داشت.

این هم مطلب دیگری است که مصنف بر آن تأکید داشته و فی حدّ نفسه هم این مطلب درست می‌باشد چراکه ابداء و اخفاء اگر به تنهایی ذکر شوند موضوع آشکار و پنهان‌سازی با قطع‌نظر از غیر می‌باشد اما اگر با «لام» آورده شود حتماً مقصود نگاه دیگری می‌باشد.

پس تاکنون دو مقدمه عرض شد که مقدّمه اول این بود که زینتی که در این آیات ذکر شده است شامل وجه و کفّین هم می‌شود و فقط زینت‌های انضمامی نیست بلکه خودِ عضو هم زینت اطلاق می‌شود و مقدّمه دوم هم این بود که ابداء و اخفاء دارای دو معنا می‌باشند که یکی مطلق (فی‌نفسه) و دیگری للغیر است که توضیح آنها داده شد.

##### تفاوت دو معنای «لایبدین»

با توجه به این دو نکته‌ای که عرض شد در این کتاب می‌فرمایند «لایبدین» اوّل با دوم متفاوت است به این بیان که عبارت اول این‌چنین است: **﴿وَ لا يُبْدينَ زينَتَهُنَّ إِلاَّ ما ظَهَرَ مِنْها﴾** یعنی زن‌ها زینت خود را اظهار نکنند مگر آنچه که ظاهر است.

همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید در این عبارت حروف متعدّی وارد نشده است فلذا گفته می‌شود این عبارت به معنای اخفاء فی حدّ نفسه می‌باشد؛ یعنی زن‌ها با قطع‌نظر از وجود ناظر و ... نباید زینت‌های خود را اظهار کنند مگر آنچه که ظاهر است و این مربوط به همان مقام اوّل است که ابداء، ستر و اخفاء فی حدّ نفسه می‌باشد.

اما در آیه دوم گفته می‌شود **﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ﴾** که از این عبارت مشخص می‌گردد که مستثنی‌منه عبارت این‌چنین است: «لا یبدین زینتهنّ لأحدٍ الاّ لبعولتهنّ» که از حرف «لام» در «لبعولتهنّ» مشخص می‌شود که چیزی در این عبارت محذوف می‌باشد و آن همان «لأحدٍ» است. پس این فقره‌ای که به آن استدلال می‌شود ناظر به این مطلب است که «زنان اظهار و کشف نکنند چهره و دست خود را برای هیچ کس» که در واقع زینت شامل وجه و زینت هم می‌باشد و اینکه «لأحدٍ» با قرینه «لبعولتهنّ» وارد عبارت شد به این مطلب ظهور می‌دهد که زنان نباید دست و صورت خود را برای هیچ کس اظهار کنند مگر محارم.

پس همان‌طور که ملاحظه نمودید با این دو مقدّمه‌ای که عرض شد **﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾** ظهور پیدا می‌کند در تکلیف زنان به عدم ابداء، یا به‌عبارت‌دیگر به لزوم ستر وجه و کفّین بر همه کس مگر محارمی که در آیه ذکر شده است.

### مناقشه به تقریب استدلال

اولین اشکالی که بلافاصله برای این تقریب به ذهن می‌رسد این است که در این عبارت که می‌فرماید «لا یبدین زینتهنّ الاّ ما ظهر منها» دارای قید است و در واقع «ما ظهر منها» همان وجه و کفّین است که عرفاً معلوم و مکشوف می‌باشد و وقتی که این استثناء وجود دارد چرا باید عبارت بعد این استثناء را تأویل و تخصیص بزند؟

به‌بیان‌دیگر گفته می‌شود اگرچه در این آیه می‌فرماید «لا یبدین زینتهنّ» که مطلق هم می‌باشد اما جمله قبل که در آن گفته شده است «الا ما ظهر منها» مقیّد این زینت می‌باشد که در کنار هم قرار گرفته و معنای کلی آن این‌چنین است که **﴿وَ لا يُبْدينَ زينَتَهُنَّ إِلاَّ ما ظَهَرَ مِنْها﴾** و غیر از «ما ظهر منها» نسبت به «بعولتهن» تخصیص خورده است.

در واقع این دو فقره با اطلاق و تقییدی که در هر دو وجود دارد باید با هم ملاحظه شوند؛

از یک جهت فقره اوّل از حیث طرف‌ها مقیّد می‌شود به این معنا که «لا یبدین زینتهنّ» برای همه نمی‌باشد بلکه «الاّ لبعولتهنّ» آن را مقیّد می‌کند؛ و از طرف دیگر در فقره دوم این زینت‌ها را از حیث زینت ظاهر و غیر ظاهر تقیید می‌زند و در واقع «الاّ ما ظهر منها» مقیّد فقره دوم می‌باشد.

این اشکالی است که غالب فقها هم همین را از آیه درک می‌کنند و می‌فرمایند دو فقره از آیه وجود دارد که در یکی گفت می‌شود **﴿وَ لا يُبْدينَ زينَتَهُنَّ إِلاَّ ما ظَهَرَ مِنْها﴾** و در فقره دوم می‌فرماید **﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ﴾** هنگامی که این دو در کنار یکدیگر قرار گیرند دو اطلاق و تقیید از دو سو به دست می‌آید:

فقره اوّل دارای اطلاق بوده و شامل محارم و غیر محارم می‌شود که با جمله دوم مقیّد به غیر محارم می‌شود و محارم را خارج می‌کند؛ و جمله دوم نیز نسبت به هر نوع زینتی اطلاق دارد ظاهر و باطن که آیه اوّل آن را مقیّد به زینت غیر ظاهر می‌کند.

فلذا این دو فقره هر کدام از یک جهت مطلق و از جهت دیگر مقیّد هستند:

از این جهت که آیه این اخفاء زینت باید نسبت به همه باشد یا غیر محارم؟ فقره اوّل دارای اطلاق بوده و فقره دوم به آن قید می‌زند.

و از این جهت که آیا زینت شامل ظاهر و باطن می‌شود یا خیر، فقره دوم مطلق بوده و فقره اوّل آن را قید می‌زند به این معنا که آنچه گفته می‌شود فقط زینت غیر ظاهر است.

این دو اطلاق و تقییدی است که از دو طرف به هم وارد می‌شود و مانعی هم برای آن وجود ندارد چرا که ممکن است جمله‌ای از یک حیث مطلق باشد و از حیث دیگر مقیّد و به همین صورت جمله دیگر که از حیث دیگری مطلق باشد و از حیث دیگری مقیّد. فلذا مانعی در این نیست که دو اطلاق و تقیید از دو حیث بر دو دلیل وارد شود.

به‌عبارت‌دیگر همیشه این‌گونه نیست که یک دلیل من جمیع الجهات مطلق باشد و دلیل دیگر من جمیع الجهات مقیّد باشد بلکه مواردی وجود دارد که دو دلیلی باشند که نسبت آنها از یک منظر اطلاق از یک طرف و تقیید از طرف مقابل باشد و از منظر دیگر عکس این اطلاق و تقیید اتّفاق افتد. این اتفاق بلا مانع است و نتیجه آن این است که هر دو قید با یکدیگر جمع می‌شوند که در مانحن‌فیه نتیجه این است که زنان ابداء زینت و اعضاء نکنند مگر در دو موضع: یکی زینت‌های ظاهر و دیگری نسبت به محارم و اینها دو قیدی هستند که به این مطلق وارد می‌شود.

### خلاصه تقریب و اشکال

پس همان‌طور که ملاحظه نمودید تقریب استدلال تا اینجا این‌گونه بود که دو مقدّمه در آن وجود دارد که در مقدّمه اول گفته می‌شود زینت شامل وجه و کفّین می‌شود و مقدمه دوم نیز می‌گوید ابداء اوّل و دوم در آیه شریفه با هم متفاوت هستند به این جهت که ابداء بدون «لام» یعنی فارغ از نگاه و نظر دیگری و به طور مطلق، اما ابدائی که با «لام» آورده شود یعنی آن اظهار و کشف و ستری است که متوجه به نگاه دیگری است؛ و اما اشکالی که به این استدلال شد این است که «لا یبدین» فقره دوم مقیّد «ما ظهر منها» در فقره اوّل است.

### جواب مناقشه

جواب این مناقشه در مقدّمه دوم داده می‌شود و در واقع این مقدّمه آورده شده است تا به این مناقشه جواب بدهد؛

جوابی که داده می‌شود به این شرح است که هنگامی فقره اوّل می‌توان دومی را تقیید بزند که مقصود یک ابداء باشد اما وقتی که موضوع ابداء دو مورد متفاوت شد دیگر اوّلی نمی‌تواند به دیگری قیدی وارد کند چرا که اطلاق و تقیید در جایی است که بر یک موضوع حمل شوند درحالی‌که در اینجا موضوعات متفاوت می‌باشند. در فقره اوّل موضوع ابداء فی حدّ نفسه است با قطع‌نظر از اینکه آیا ناظری وجود دارد یا خیر و این شبیه به همان مطلبی است که در باب نماز گفته شد. در واقع **﴿وَ لا يُبْدينَ زينَتَهُنَّ إِلاَّ ما ظَهَرَ مِنْها﴾** ارتباطی به این مسئله ندارد که کسی وجود داشته باشد یا خیر؛ و اما فقره دوم ابداء برای دیگری را بر می‌شمارد و در واقع در اینجا دو موضوع متفاوت می‌باشند و وقتی این‌چنین شد هیچ‌گاه نمی‌تواند یکی مقیّد دیگری باشد زیرا دو حکم متفاوت با موضوع متفاوت هستند.

به‌عنوان‌مثال در باب نماز امر به ستر شده است بدون توجه به اینکه کسی حضور داشته باشد یا خیر، اما در باب ارتباط افراد با یکدیگر وقتی امر به ستر می‌شود مقصود ستر و کشفی است که از جهت نگاه دیگری مطرح می‌شود و اگر کسی وجود نداشته باشد حکمی هم نخواهد بود، درحالی‌که در حکم اوّل که مطلق می‌باشد قوام آن به این نیست که کسی حضور داشته باشد یا نباشد و در هر دو صورت باید ستر انجام گیرد (در نماز) و اما قسم دوم که با «لام» متعدی شده است قوام عبارت به آن است که کسی حضور داشته باشد و اگر ناظری نباشد هیچ حکمی هم نخواهد بود.

بنابراین مناقشه‌ای که به این استدلال شده است این است که عبارت «ما ظهر منها» در فقره اوّل مقیّد اطلاق در فقره دوم می‌باشد و لذا مقصود آیه فقط زینت‌های غیر ظاهر است که عبارت است از سایر اعضاء غیر از وجه و کفّین که ظاهر هستند؛ و جوابی هم که در کتاب «اسداء الرغاب» داده می‌شود این است که «لا یبدین» فقره اوّل عدم ابداء و ستر علی وجه الاطلاق است و فقره دوم عدم ابداء للغیر است و این دو موضوع متفاوت هستند که نمی‌توان بین این دو اطلاق و تقییدی بر قرار کرد.

پس همان‌طور که ملاحظه نمودید، مصنّف جوابی به مناقشه دادند که زمینه‌سازی برای این جواب را در مقدّمه دوم شروع کردند تا از دفع ان قلت کرده و استدلال تمام شود و نهایتاً این نتیجه به دست آید که **﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ﴾** واقعاً مطلق می‌باشد و در واقع زنان باید سر و صورت خود را بر همه بپوشانند مگر کسانی که در آیه استثناء شده است.

سؤال: سر و صورت را از کجا استفاده کردید؟

جواب: گفته شد که برای این منظور روایت وجود دارد.

### پاسخ مصنّف

این مجموعه مباحث ایشان است اما آنچه که به نظر می‌رسد این است که این فرمایش در اینجا تام نیست که برای این مطلب ملاحظاتی وجود دارد که به ترتیب عرض خواهد شد:

#### ملاحظه اول

ملاحظه اول این است که ظاهر آیه این است که در هر دو فقره مقصود ابداء و اخفاء للغیر می‌باشد و به طور کلّ ارتباطی به ابداء مطلق ندارد؛ و اما آنچه که ایشان می‌فرمایند کشف و ستر دارای یک نوع مطلق بوده و نوع دیگر آن مربوط به نگاه دیگران است از نظر کلی و کبروی صحیح است و لذا در صلاة هم می‌بینیم که روایاتی وجود دارد که باید ستر عورت شود و در آنجا بحث ستر و عدم ابداء ارتباطی با ناظر ندارد و مقام صلاة فی حدّ نفسه مقامی است که حتی اگر هیچ ناظری هم وجود نداشته باشد برای اداء ادب عبودیت می‌بایست ستر عورت انجام شود و در این مورد ستر عورت عن الغیر شرط نیست که این صحیح بوده و این غیر از ستر عورت از غیر می‌باشد. لکن آنچه که در این دو آیه مطرح است و به وضوح نمایان است بحث ارتباط افراد با یکدیگر می‌باشد و در واقع روابط اجتماعی متناظر به یکدیگر می‌باشد و این‌گونه نیست که درصدد بیان یک بحث عام و مطلقی باشد که ربطی به ارتباط با دیگری نداشته باشد؛ به‌عبارت‌دیگر آیه درصدد بیان این مطلب است که هنگامی که می‌فرماید «یغضّوا من ابصارهم» و در ادامه می‌فرماید «یحفظوا فروجهم» مقصود حفظ فروج از نگاه دیگری است نه اینکه اگر در حمام هم هستی فروج را حفظ کنید! و در آیه بعد هم که می‌فرماید «یغضضن من أبصارهم» یعنی نباید به دیگری نگاه کند و «یحفظن فروجهن» هم یعنی خود را از نگاه دیگری مصون بدارد.

و لذا باید گفت عبارت «لا یبدین زینتهنّ» که در فقره اول آمده است یعنی «لا یبدین زینتهنّ لأحدٍ الاّ ما ظهر منها» پس ابداء در جمله اوّل هم همان ابداء یا عدم ابداء قسم دوم می‌باشد که عدم ابداء للغیر است نه اینکه عدم ابداء فی حدّ نفسه باشد که شبیه به آنچه که در نماز وجود دارد.

در واقع مقصود از تمام آیه عدم ابداء، اخفاء و حفظ از غیر می‌باشد که صورت دوم معنای ابداء و اخفاء می‌باشد و اصلاً ذهن کسی در این آیه به سمت معنای مطلق نخواهد رفت.

شاهد این مطلب این است که باید فقره اوّل که می‌فرماید **﴿وَ لا يُبْدينَ زينَتَهُنَّ إِلاَّ ما ظَهَرَ مِنْها﴾** باید این‌چنین معنا شود که هیچ کس در خلوت خود هم نمی‌تواند ابداء کند! که این بسیار بعید است که البته ایشان در کتاب توجیهاتی برای این مسئله ذکر نموده‌اند که البته توجیهات خوبی نیستند.

پس بنابراین نکته اوّلی که در این استدلال وجود دارد این است که جوابی که ایشان به إن قلت داده‌اند درست نیست و در واقع «لا یبدین» در فقره اوّل همچون فقره دوم است و تمام این فقرات در مقام ارتباط با یک فرد دیگری است نه آن صورت که در نماز گفته شد که در مقام فردی و با قطع‌نظر از نگاه دیگران مدنظر قرار می‌گرفت. از این جهت است که می‌گوییم آیه اوّل و دوم هر دو بر یک محور حرکت می‌کنند و آن اینکه شخص زینت خود را برای غیر اظهار کند یا خیر.

و لذا با این ملاحظه‌ای که در اینجا عرض شد مشخص می‌شود که مقصود از «لا یبدین» در فقره اوّل هم اظهار برای غیر می‌باشد.

این مناقشه مهمّی است که کلام ایشان وارد است و شواهدی هم که برای آن وجود دارد یکی این است که اگر معنای ابداء مطلق مقصود آیه باشد معنای واضحی پیدا نمی‌کند و اینکه قرار باشد شخص در خلوت خود هم اعضایش را ستر کند خیلی مستبعد است.

و شاهد دوم هم عبارت «الاّ ما ظهر منها» می‌باشد که مقصود آن ظهور برای غیر می‌باشد نه اینکه ظهور برای حدّ نفسه باشد.

پس با این ملاحظه فرمایش ایشان تمام نخواهد بود و اگرچه ما می‌پذیریم که «لا یبدین زینتهنّ لأحدٍ الاّ للمحارم» مطلق می‌باشد –چه ظاهر و چه باطن- اما این عبارت بلافاصله به جمله قبل مقیّد می‌شود و آن اینکه لا یبدین زینتهنّ لغیر المحارم مقصود عدم ابداء غیر ظاهر است و الاّ آنچه ظاهر است قبلاً استثناء شده است.

این چیزی است که ابتدا هم به ذهن می‌رسد که البته ایشان در یک دست‌انداز این‌چنینی قرار دادند.